

تاریخ وصول: ۸۶/۶/۶

تاریخ تأیید: ۸۶/۱۱/۲۸

## بررسی تأثیر نقش‌های اجتماعی غیرسنتی بر هویت اجتماعی دختران

جعفر زلفعلی فام\*

آگاهی اجتماعی، تحصیلات والدین، ایدئولوژی خانواده سنتی، هویت اجتماعی، شغل، تحصیلات دانشگاهی و طبقه اجتماعی، روی نمونه ۳۸۹ نفری از دانشجویان دختر مشغول به تحصیل در دانشگاه گیلان، به روش پیمایشی، مورد مطالعه قرار گرفت. با توجه به یافته‌های پژوهش به نظر می‌رسد دختران جامعه ما سعی دارند با اتکا به منابع هویت‌ساز غیرسنتی چون تحصیل و شغل، از هویت اجتماعی سنتی که توسط مردان و خانواده پدرسالار برای آنها تعریف شده است گذار کنند و خودشان به صورت بازاندیشانه و بازتابنده، هویت اجتماعی غیرسنتی را برای خویشتن در جامعه تعریف نمایند.

کلیدواژه: هویت اجتماعی<sup>۱</sup>، سنت<sup>۲</sup>، مدرنیته<sup>۳</sup>، بازتابندگی<sup>۴</sup>،

\* مربی آموزشیار مرکز ملکان.

نشانی اینترنتی: [jafar\\_fam@yahoo.com](mailto:jafar_fam@yahoo.com)

1. social identity
2. tradition
3. modernity
4. reflexivity

چکیده: جامعه‌شناسی امروز برای تحلیل هویت اجتماعی، توجه خود را از ساختارهای هویت‌بخش سنتی به منابع هویت‌ساز غیرسنتی معطوف کرده است. منابع هویت‌بخش سنتی مانند نژاد، سن، طبقه اجتماعی، و منابع هویت‌ساز غیرسنتی مانند مصرف، ذائقه و سبک‌های زندگی اجتماعی است. در این مقاله به این پرسش اساسی پرداخته شده است که دختران دانشجو چه تعریفی از چگونگی هویت اجتماعی خویشتن در دوره گذار دارند. از بررسی انتقادی ادبیات موضوع تحقیق و به‌خصوص با تأکید بر آرای گیدنز (Giddens) در مورد مدرنیته و چگونگی هویت فردی و اجتماعی در عصر مدرن، این فرضیه کلی استنتاج شده است که «با تضعیف شالوده‌ها و ساختارهای سنتی، دختران تلاش می‌کنند با پذیرش نقش‌های اجتماعی غیرسنتی و با شناخت آگاهانه از موقعیت اجتماعی خود در جامعه و با حرکت به سمت منابع هویت‌ساز غیرسنتی و بیشتر به صورت یک طرح بازاندیشانه و بازتابنده، هویت اجتماعی غیرسنتی را برای خود تعریف کنند. برای آزمودن این فرضیه‌ها متغیرهایی مثل نقش‌های اجتماعی غیرسنتی،

در جامعه در حال گذار از وضعیت سنتی به غیرسنتی «مسئله زنان و دختران به یکی از بنیادی‌ترین درگیری‌های بین سنت و مدرنیته بدل می‌شود» (آشوری، ۱۳۷۷: ۲).

گیدنز معتقد است «اگر بفهمیم که در قلمرو خانواده و نقش‌های درون آن چه تحولاتی در حال وقوع است، تا حدود زیادی خواهیم فهمید که در الگوهای گسترده‌تر زندگی اجتماعی چه اتفاقی در جریان است» (گیدنز، ۱۳۸۲: ۵۳).

به این ترتیب وی معتقد است که خانواده و نقش‌های افراد درون آن دستخوش سه دگرگونی اصلی می‌شود: اول، خانواده دیگر یک واحد اقتصادی نیست، بلکه مجموعه‌ای از پیوندهاست که بیشتر بر اساس ارتباط عاطفی شکل گرفته است. دوم، یک نسل پیش، پیوند میان زن و مرد، مخصوصاً در ازدواج سنتی، عمدتاً بر اساس نقش‌های ثابت بود. یک زن می‌دانست که چه سرنوشتی در انتظارش است: یک زندگی خانگی و خانوادگی. در طول حدود یک نسل همه اینها تغییر کرده است و نقش زن آن‌چنان‌که در گذشته ثابت و مشخص بود، ثابت نیست.

مهم‌ترین اتفاق در حال وقوع این است که دیگر زنان بر اساس آنچه فرهنگ و یا سرنوشت محتوم به آنها دیکته می‌کند زندگی نمی‌کنند و هویتشان را بیشتر به واسطه نقش‌های اجتماعی که ایفا می‌کنند می‌سازند. سوم، موقعیت در حال تغییر زنان به موازنه قدرت آنها با مردان مربوط می‌شود. جوامع ما در ارتباط میان دو جنس، هر روز مساوات طلب‌تر می‌شوند و قدرت زنان رو به افزایش است (همان‌جا، ۵۵).

5. nontraditional sources of identity
6. ideology of traditional family
7. nontraditional social roles
8. transitional

منابع هویت‌ساز غیرسنتی<sup>۵</sup>، ایدئولوژی خانواده سنتی<sup>۶</sup>، نقش‌های اجتماعی غیرسنتی<sup>۷</sup>.

#### مقدمه

ما در جهانی به سر می‌بریم که سخت دستخوش تغییرات و تحولات اعتقادی و اجتماعی است. تغییراتی که در زندگی روزمره ما رخ می‌دهد نشانگر این واقعیت است که امروزه دیگر نه گذشته، بلکه آینده پیش روی ماست و آینده است که زندگی اجتماعی ما را تعیین می‌کند.

با برکنده شدن ساختارها و شالوده‌های سنتی حاکم بر جامعه، افق‌های جدیدی در زندگی افراد شکل می‌گیرد که نمونه این امر دگرگونی در نقش‌های اجتماعی و هویت اجتماعی دختران در جامعه است که سنت، نقش آنان را تا حد زیادی مشخص و معین کرده بود؛ یعنی کارهای خانگی و رسیدگی به امور خانواده تعریف‌های معینی داشت. اما امروزه با تغییرات صورت‌گرفته در ساختارهای سنتی جامعه، دختران خواهان نقش‌های اجتماعی مستقل‌تری در زندگی خانوادگی و مشارکت همه‌جانبه‌ای در زندگی اجتماعی هستند.

در این مقاله چگونگی هویت اجتماعی دختران در عصر گذار و ارتباط این هویت با نقش‌های اجتماعی غیرسنتی و مراجع هویت‌ساز غیرسنتی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

#### طرح مسئله

با توجه به این امر که مهم‌ترین ویژگی جامعه ایرانی در یک‌صد سال گذشته در حال گذار<sup>۸</sup> بودن آن است، کشور ما هم مثل بسیاری از کشورهای در حال توسعه با مسائل خاص دوران گذار از سنت به مدرنیته مواجه است.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد که دختران جامعه ما به این واقعیت پی برده‌اند که هویت اجتماعی چیزی نیست که در نتیجه عضویت‌های گروهی یا تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به آنها تفویض شده باشد، بلکه فرد باید آن را به‌طور مداوم بیافریند و در فعالیت‌های خود به‌صورت بازتابی مورد پشتیبانی قرار دهد. بنابراین، مسئله اساسی این پژوهش را می‌توان این‌طور مطرح کرد که آیا دختران جامعه ما سعی دارند با تعریفی مجدد از هویت خود در چارچوب پذیرش و ایفای نقش‌های اجتماعی غیرسنتی، و با اتکا به منابع هویت‌ساز غیرسنتی که در جامعه برای آنها شکل گرفته‌است، هویت اجتماعی غیرسنتی را برای خود تعریف کنند و به‌واسطه آن، نگرش‌های سنتی را که درباره هویتشان در جامعه رواج دارد زیر سؤال ببرند؟

### ضرورت طرح موضوع پژوهش

یکی از مسائل مهم مرتبط با موقعیت و وضعیت زنان در جامعه ایران دگرگونی در موقعیت اجتماعی و نقش‌های سنتی آنان است. طرح این مسئله از آنجا اهمیت می‌یابد که بررسی شود، دختران در جامعه ما تا چه حد از نقش‌های سنتی خود فاصله گرفته‌اند و آمادگی پذیرش و ایفای نقش‌های غیرسنتی را دارند. آیا آنها با پذیرش این نقش‌های جدید در پی ارائه تعریف جدیدی از هویت خود در جامعه هستند؟ بنابراین، بررسی چگونگی پذیرش نقش‌های غیرسنتی توسط دختران و شناخت منابع هویت‌ساز غیرسنتی که دختران سعی می‌کنند با اتکا به آنها هویت اجتماعی غیرسنتی را برای خود تعریف کنند و در نهایت، شناخت ماهیت و چگونگی تغییر اجتماعی

بنابراین، ساختن و پرداختن نوعی هویت شخصی و اجتماعی امری خطیر است، «چون زندگی اجتماعی انسان بدون وجود چارچوبی مشخص از هویت فردی<sup>۹</sup> و اجتماعی که به‌وسیله آن بدانیم که دیگران کیستند و خود ما کیستیم، غیر قابل تصور است» (گیدنز، ۱۳۷۷: ۳۳).

اکنون چند دهه است که «زنان و دختران در سراسر جهان هویت‌های جاافتاده و سنتی خود را مورد سؤال قرار داده‌اند و با آن به رویارویی برخاسته‌اند و برای بنیان نهادن راه‌های برابرجویانه‌تر و آزادانه‌تر بودن مبارزه می‌کنند و می‌خواهند هویتی بیش از زندگی خانگی و خانوادگی داشته باشند» (همو، ۱۳۸۲: ۵۶).

در کشور ما نیز این مسئله با ورود دختران به عرصه‌های مختلف اجتماعی نمود بارزتری پیدا کرده‌است که می‌توان به اهم آنها اشاره کرد:

۱. ادامه تحصیل دختران تا سطح تحصیلات عالی؛
۲. حرکت دختران به‌سوی کسب استقلال مالی و فردی که «با اشتغال به کار دختران در خارج از خانه و در بخش‌های گوناگون اقتصاد دولتی و خصوصی در سال‌های اخیر نمود پیدا کرده‌است» (شادی‌طلب، ۱۳۸۰: ۲۳)؛
۳. ظهور ادبیات زنانه که «در آثار نویسندگانی که در مورد وضعیت زنان نوشته شده‌است و آثار فرهنگی همچون فیلم‌های سینمایی که در سال‌های اخیر تولید شده، هویداست» (کاظمی‌پور، ۱۳۸۲: ۴۷-۴۸).

همه اینها نشان از وقوع تغییرات اجتماعی و فرهنگی گسترده در وضعیت عمومی زنان و به چالش کشیده شدن هویت اجتماعی سنتی آنها در جامعه است که از مهم‌ترین پیامدهای آن تضعیف شالوده‌ها و ساختارهای سنتی حاکم در جامعه است.

برجسته‌ترین شکل این تغییرات را می‌توان در تحوّل نقش‌های اجتماعی سنتی دختران و پذیرش نقش‌های غیرسنتی و شکل‌گیری منابع هویت‌ساز غیرسنتی برای آنان مورد بررسی قرار داد.

9. self-Identity

خاصی می‌داند، مسئله اساسی پژوهش این است که چگونه محیط و شیوه زندگی فرد به او هویت فرهنگی می‌دهد.

روش مطالعه این پژوهش کیفی بوده، در نهایت این نتیجه کلی را می‌گیرد که تعلق‌های اجتماعی رابطه متقابلی با هویت فرهنگی دارد.

آمال (۱۳۷۵) در پژوهش خود تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت فرهنگی دانش‌آموزان دختر»، در پی درک چگونگی شکل‌گیری هویت فرهنگی و میزان تأثیر عوامل جامعه‌پذیری بر فرایند شکل‌گیری هویت فرهنگی در دانش‌آموزان دختر است. روش این تحقیق پیمایشی بوده، در نهایت توانسته است عوامل مؤثری همچون خانواده، رسانه‌ها و گروه همسالان را در شکل‌گیری هویت فرهنگی مورد تأکید قرار دهد.

چاوشیان (۱۳۸۱) در پژوهش خود تحت عنوان «سبک زندگی<sup>۱</sup> و هویت اجتماعی»، با رویکردی نوین، به تحلیل جامعه‌شناختی سبک زندگی و هویت اجتماعی پرداخته است.

نظریات «پیر بوردیو» در مورد تشخیص و سرمایه فرهنگی و ایجاد سبک‌های نوین مصرف در جامعه مدرن، و اندیشه‌های «آنتونی گیدنز» در مورد مؤلفه‌های هویت اجتماعی و فردی در جامعه مدرن، و نقش حوزه مصرف و سبک زندگی در شکل دادن به هویت شخصی و اجتماعی، در این پژوهش مورد تأکید است. چاوشیان با رویکردی «وبری» نسبت به طبقه اجتماعی و رابطه آن با سبک زندگی و با استفاده از محور اصلی، یعنی تحول در رابطه با کار و فراغت، چندپارگی ساختار طبقاتی در جوامع مدرن، و پیدایش فرهنگ مصرف، به طرح این مسئله می‌پردازد که سبک

که در جامعه ما در حال رخ دادن است، می‌تواند یکی از موضوعات مهم و قابل بررسی در مطالعات جامعه‌شناختی باشد.

### مروری بر پژوهش‌های پیشین

هیلمن (Heilman, 1998) در پژوهش خود تحت عنوان «ستیز برای خود، قدرت و هویت اجتماعی در میان دختران نوجوان»، چگونگی شکل‌گیری هویت در میان دختران نوجوان دبیرستانی را در منطقه‌ای فقیرنشین در انگلستان بررسی کرده است. شیوه این مطالعه بر اساس روش مشاهده و مصاحبه عمیق بوده است.

نویسنده بر این تصور است که الگوهایی که رسانه‌ها و نیز اجتماع به این دختران برای شکل دادن به هویتشان ارائه می‌دهند بسیار سطحی و بی‌محتواست، نه الگوی محکم و قدرتمند برای داشتن هویتی کارآمد و مفید در بزرگسالی. در این میان نقش خانواده در این شکل‌گیری کم و ضعیف است.

وی با تشریح این مسائل در نهایت این موضوع را مطرح می‌کند که در مقابل تأثیرات زیاد و همه‌گیر الگوهای مدرنیته که جامعه و رسانه‌ها برای دختران عرضه می‌کنند، مدرسه و معلمان می‌توانند نقش مؤثری در تشویق دختران نوجوان برای دستیابی به هویتی قوی، محکم و فعال داشته باشند.

پارسا پژوه (۱۳۷۹) در پژوهش خود تحت عنوان «بررسی هویت فرهنگی دختران نوجوان»، با اتخاذ دو دیدگاه نظری به مسئله هویت فرهنگی در بین دختران نوجوان پرداخته است.

اولین دیدگاه بر پایه این تعریف از هویت استوار است که هویت فرهنگی را شناسنامه فرهنگی یک جامعه می‌داند.

در دیدگاه دوم که هویت را ناشی از عضویت در گروه

نتیجه کلی این تحقیق حاکی از این است که الگوهای خرید جوانان مورد مطالعه حاصل تقاطع دو محور سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی و در ارتباط مستقیم با هویت اجتماعی افراد است.

### چارچوب نظری

چارچوب نظری این مقاله از نظریات «آنتونی گیدنز» درباره تجدد و چگونگی هویت فردی و اجتماعی در عصر مدرنیته گرفته شده است.

گیدنز معتقد است که «ویژگی مدرنیته نه استقبال از چیز نو به خاطر نو بودن آن، بلکه فرض بازاندیشی درباره همه چیز است» (گیدنز، ۱۳۸۰: ۵۷).

می توان گفت که تجدد چارچوب حفاظتی جامعه سنتی را «از جا کنده»<sup>۱۱</sup> و با دگرگون کردن و تضعیف منابع هویت ساز سنتی، فرایند هویت سازی را در جهان کنونی متمایز از قبل کرده است.

«هرچند دانشمندان بر سر منابع هویت بخش اجماع ندارند، دست کم در این مورد اتفاق نظر وجود دارد که با بسط فرایند تجدد، منابع سنتی هویت بخش به تدریج رو به اضمحلال و تحلیل رفته، تا حدی که قدرت استیلای خود را بر معنادگی به هویت کنش گران از دست می دهد و مسئولیت هویت سازی را بر عهده «فرد» می گذارد» (Giddens, 1994: 6).

گیدنز معتقد است که در جوامع سنتی افراد معمولاً در واحدهای اجتماعی کوچک ولی منسجم قرار می گرفته اند و در چارچوب آن واحد هویت می یافتند، ولی با گسترش فرایند تجدد، امکان هویت یابی در چارچوب محدود و معین اجتماعی رو به کاهش است (همو، ۱۳۷۷: ۸۰).

لذا فرد در جوامع سنتی معمولاً به شکلی «منفعلانه» هویت می یافت.

زندگی به عنوان شکل جدیدی از گروه بندی های اجتماعی می تواند خطوط تشابه و تمایز اجتماعی را ترسیم و تبیین کند.

نتیجه کلی این پژوهش حاکی از این است که سبک های زندگی در متن و زمینه فرهنگ مصرف بسط یافته اند و شاید بتوان گفت که به این زمینه وابسته اند، اما مسلماً پیوند مذکور بدین معنا نیست که در فعالیت سبک زندگی هیچ تنوعی وجود ندارد، بلکه در سبک های زندگی باید به دنبال تنوع و گونه گونی باشیم.

سبک های زندگی بر مبنای ذائقه ها و ارزش های شخص شکل می گیرند، اما می توان انتظار داشت که الگوهای قابل تشخیصی داشته باشند که با ویژگی های فرهنگی و اجتماعی دیگری همخوان باشند.

شارع پور و خوش فر (۱۳۷۹) در پژوهش خود تحت عنوان «رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی» به بررسی ابعاد ذهنی، عینی و نهادی سرمایه فرهنگی با نحوه تعریف افراد از خویشان و همچنین سنجش میزان سرمایه فرهنگی و شناسایی اجزا و عناصر هویت جوانان پرداخته اند.

چارچوب نظری این تحقیق بر پایه نظریه بازتولید فرهنگی است. نتیجه کلی این پژوهش حاکی از آن است که در خلال دوران جوانی، تغییرات مهمی در تفکر جوان نسبت به خویشان روی می دهد.

نیکزاد فرخی (۱۳۸۲) در پژوهش خود تحت عنوان «الگوی مصرف پوشاک و هویت اجتماعی» به بررسی رابطه بین الگوی مصرف پوشاک و ارتباط آن با هویت اجتماعی پرداخته است.

در این پژوهش با استفاده از خطوط اصلی نظریات «پیر بوردیو» و «آنتونی گیدنز» به طرح این مسئله پرداخته است که چرا گروه های اجتماعی مختلف از الگوهای مصرفی متفاوت پیروی می کنند.

11. disembedment

تجربیات ما تأثیر می‌گذارد.

بنابراین، تجدّد نوعی نظم پس از سنت است که در آن بیشترین تأکید بر ظهور سازوکارهای نوین هویت شخصی و اجتماعی متمرکز است که هم سازنده فردیت و هم زاینده نهادهای امروزی هستند و به آنها شکل می‌دهند.

بنابراین، در عصر کنونی که گیدنز آن را «تجدّد متأخر» می‌نامد، «خود» را باید همانند زمینه‌های نهادین وسیع‌تری که «خود» در آنها تحقق می‌یابد، به طرز «بازتابی» و بازاندیشانه ساخت و پرداخت.

بنابراین، در دوره مدرنیته هویت فردی و اجتماعی را نه در رفتار باید جستجو کرد و نه در واکنش دیگران - که در حد خود مهم هستند - بلکه در توانایی و ظرفیت وی برای حفظ و ادامه روایت مشخص از زندگی‌نامه فردی و اجتماعی افراد باید جست؛ چنان‌که «چارلز تیلر» می‌گوید:

«برای آنکه بدانیم کی هستیم، باید کم و بیش بدانیم که چگونه به صورت کنونی درآمده‌ایم و به کجا می‌رویم» (گیدنز، ۱۳۸۰: ۲۳).

بنابراین، در اینجا است که در نسبت با تجدّد می‌توان از زن ایرانی سخن گفت و تحلیل گیدنز را در مورد وضعیت تجدّد و تأثیر آن در هویت اجتماعی برای بازساخت زن معاصر ایرانی به کار گرفت.

#### مدل نظری

مدل نظری این تحقیق را می‌توان با استفاده از متغیرهای گرفته‌شده از نظریه آنتونی گیدنز در مورد مدرنیته، چگونگی هویت فردی و اجتماعی و منابع هویت‌ساز غیرسنتی، طبق مدل زیر ترسیم کرد.

ولی فرایند تجدّد زمینه‌رهایی فرد را از دایره تنگ نهادها و عوامل سنتی هویت‌سازی فراهم آورده است.

بنابراین، از جمله ویژگی‌های هویت‌سازی در عصر مدرنیته می‌توان به متغیر بودن، سیالی، متکثر بودن، درعین حال پیوندی بودن یا ترکیبی بودن آن اشاره کرد و از آنجایی که فرایند تجدّد باعث پویایی، سیالی و پیچیدگی روابط و زندگی اجتماعی می‌شود، هویت‌های ساخته نیز معمولاً همین خصلت را دارا هستند و به دلیل پهناور بودن قلمرو و روابط اجتماعی در جوامع امروزی، هر فرد با اجتماعات و گروه‌های متعددی پیوند دارد.

همین روابط گسترده و تعلق‌های گروهی پرشمار مبنایی است برای تولید و بازتولید هویت‌های اجتماعی متکثر.

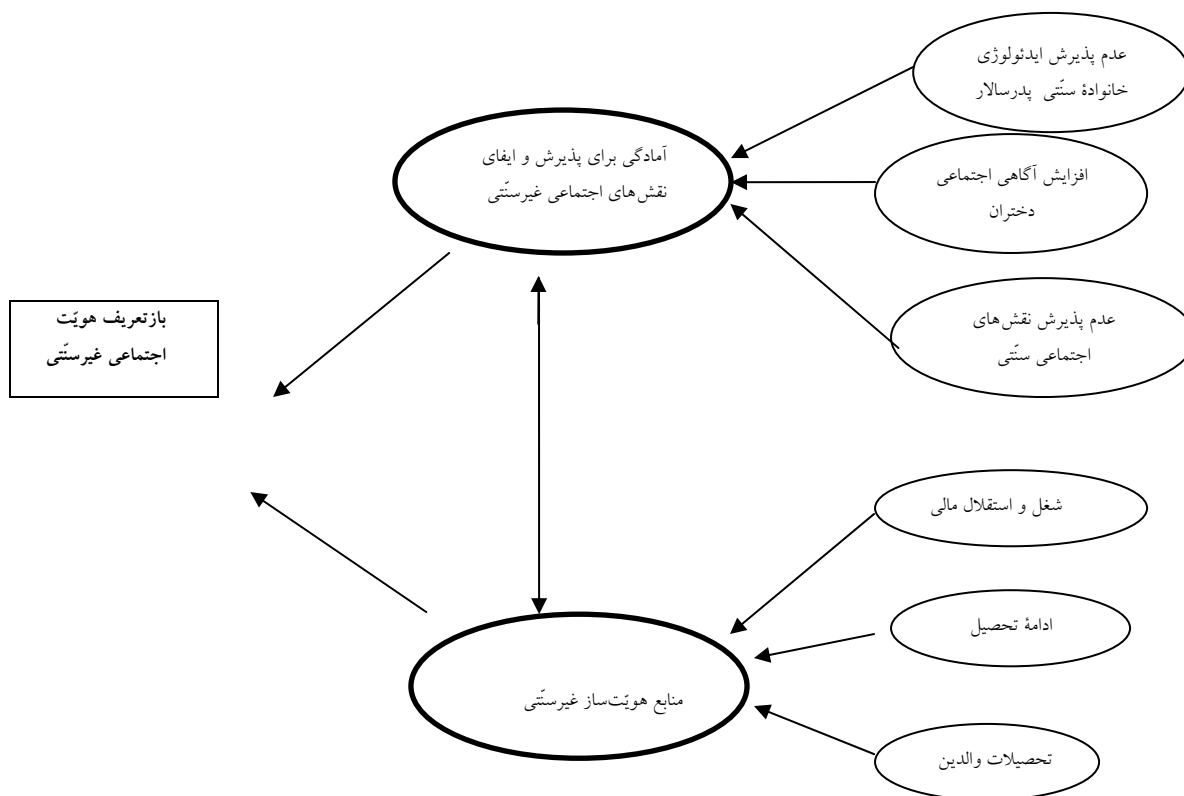
بنابراین، در جوامع سنتی فاکتورهای متفاوت تلاش داشته‌اند تا خلوص و اصالت هویت را حفظ کنند.

«منابع هویتی در این جوامع بسیار اندک بودند و یا حتی وجود نداشتند که در صورت وجود توسل به آنها نیز غیرمشروع بود، ولی فرایند تجدّد و جهانی شدن با رفع این موانع بستر مناسبی برای تولید هویت‌های جدید فراهم کرده است» (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۱۲۳).

نتیجه آنکه با توسعه تجدّد و فرایند جهانی شدن بالنسبه در همه جوامع، تدریجاً منابع سنتی هویت‌ساز رو به اضمحلال رفته، فاکتورهای سازنده هویت اجتماعی غیرسنتی به منصفه ظهور می‌رسند.

در این وضع است که کنشگران دیگر به دور از نهادهای تعیین‌گر ساختاری در یک «فضای اجتماعی» تحول‌یافته، دست به تعریف مجدد موقعیت و هویت خویشان در جامعه می‌زنند.

بنابراین، تجدّد تغییرات ریشه‌ای در کیفیت زندگی روزمره پدید می‌آورد و بر خصوصی‌ترین وجوه



نقش های اکتسابی است و بیشتر در جوامع غیرسنتی حاکم است.

### سنت و مدرنیته

جامعه‌شناسان معتقدند که جامعه سنتی به معنای محصل آن دیگر وجود خارجی ندارد؛ از این رو، آنها جوامع ماقبل مدرن را «جوامع در حال گذار» می‌نامند.

در این راستا گیدنز معتقد است که «ما می‌توانیم به‌طور کلی دوره معاصر را به‌مانند نبردی میان سنت و مدرنیته تلقی کنیم. از دیدگاه او عالمان علوم اجتماعی اغلب در مورد مدرنیته بحث می‌کنند و کمتر به سنت و مسائل آن می‌پردازند» (Giddens, 1999:3).

بنابراین، مدرنیته در مفهوم تاریخی به دوره مابعد رنسانس اطلاق می‌شود که در اروپا شروع شد.

### چارچوب مفهومی

#### نقش اجتماعی

مفهوم نقش اجتماعی یکی از پرکاربردترین مفاهیم در جامعه‌شناسی است که با مفهوم موقعیت اجتماعی<sup>۱۲</sup> مرتبط است.

کوئن (Cohen) نقش اجتماعی را رفتاری می‌داند که دیگران از دارنده یک منزلت<sup>۱۳</sup> معین انتظار دارند (کوئن، ۱۳۷۳: ۱۷). در این راستا «رالف لیتون» نقش اجتماعی را «مجموع مدل‌های فرهنگی مرتبط با یک پایگاه معین می‌داند» (ملک، ۱۳۷۵: ۶۳).

بنابراین، نقش‌های اجتماعی به زبان ساده روندی برای نمایش فرد هستند. در راستای مطالب بالا می‌توان از هویت اجتماعی سنتی و غیرسنتی صحبت کرد. هویت سنتی مبتنی بر نقش‌های انتسابی است که به‌طور اجتماعی بر مبنای آنچه فرد در موقع تولد به ارث می‌برد ساخته می‌شود که بیشتر در جوامع سنتی حاکم است. هویت اجتماعی غیرسنتی مبتنی بر

12. social position

13. prestige

عرصه‌های گوناگون جامعه و تجربه یک زندگی اجتماعی جدید است.

### هویت اجتماعی

هویت دو معنی اصلی دارد. اولین معنای آن بیانگر مفهوم «همسانی»<sup>۱۶</sup> و تشابه<sup>۱۷</sup> مطلق است؛ معنای دوم آن به مفهوم «تمایز»<sup>۱۸</sup> است که با مرور زمان، تداوم و سازگاری را فرض می‌گیرد. اگرچه دو معنای فوق متناقض و متضاد به نظر می‌آیند، در اصل به جنبه اصلی و مکمل هویت معطوف هستند. این مفهوم هویت «به‌طور هم‌زمان میان افراد و یا اشیاء دو نسبت محتمل برقرار می‌سازد: از یک طرف شباهت و از طرف دیگر تفاوت» (Mazas&Klein, 2003:9).

اصطلاح هویت دارای تاریخچه‌ای طولانی است، اما در قرن بیستم بود که این اصطلاح کاربرد جامعی یافت. نظریه هویت اجتماعی بیش از همه به مکتب «کنش متقابل نمادی»<sup>۱۹</sup> پیوند می‌خورد و تحت تأثیر نظریات جورج هربرت مید (G.H. Mead) است. وی پرچم‌دار نظریه هویت اجتماعی است (گل‌محمدی، ۱۳۸۱:۳۷۹).

نظریه هویت اجتماعی در سال ۱۹۹۷ توسط هانری تاجفل (H.Tajfal) و جان ترنر (J. Turner) توسعه یافت. «از دیدگاه آنها هویت اجتماعی شامل سه ایده مرکزی است: مقوله‌بندی، مقایسه، و هویت بخشی» (Turner&Hogg, 1995:3).

تاجفل (Tajfal) «هویت اجتماعی را با عضویت گروهی پیوند می‌زند» (Jacobson, 2002:5).

به عقیده ویلیام کانولی، «مدرنیته خود را در تقابل با دوره‌های قبل تعریف می‌کند که «تاریک‌تر» هستند، «عقلانی»<sup>۱۴</sup> نیستند، «تولیدی» نیستند، فاقد «مدنیّت» هستند، «دموکراتیک و متساهل» نیستند و از لحاظ فنی توسعه‌یافته نیستند» (فریزی، ۱۳۸۱:۴۳۷).

بنابراین، تاریخ رابطه جامعه‌شناسی با مدرنیته تناقضی را آشکار می‌کند. جامعه‌شناسی در مبارزه آگاهانه در نیمه دوم قرن نوزدهم، به‌ویژه اوایل قرن بیستم، برای دفاع از حق خود به‌عنوان یک رشته مستقل دانشگاهی، غالباً مدرنیته را - که خود محصول آن بود - به‌عنوان موضوع مطالعه و پژوهش برمی‌گزیند.

بنابراین، مدرن بودن یعنی تعلق داشتن به جهانی که در آن به قول کارل مارکس هر آنچه سخت و استوار است، دود می‌شود و به هوا می‌رود (برمن، ۱۳۸۱:۱۱۳).

«گیدنز» بر این باور است که ما به‌جای آنکه وارد دوره پسامدرنیته شده باشیم، در واقع به‌سوی دوره‌ای گام برمی‌داریم که در آن پیامدهای مدرنیته<sup>۱۵</sup> ریشه‌ای‌تر و جهانی‌تر از پیش شده‌است. وی معتقد است که ما به فراسوی مدرنیته گام برداشتیم، بلکه درست در مرحله تشدید مدرنیته به سر می‌بریم (گیدنز، ۱۳۷۷:۷۷).

بنابراین «خود» مفهوم منفعلی نیست که صرفاً تحت تأثیرات روانی شکل گرفته باشد. افراد ضمن ساختن و پرداختن هویت خویش، صرف‌نظر از کیفیت محلی یا موضعی، اعمال و افعالشان نیز به‌طور مستقیم در ایجاد و اعتلای بعضی از تأثیرات اجتماعی مشارکت دارد.

بنابراین، یکی از ویژگی‌های جامعه در حال گذار متزلزل شدن ساختارها و شالوده‌های سنتی جامعه و به تبع آن به زیر سؤال رفتن و به چالش کشیده شدن اقتدار خانواده پدرسالار سنتی است که یکی از پیامدهای مهم آن وارد شدن زنان، به‌ویژه دختران، به

14. Rational

15. consequences of modernity

16. sameness

17. similarity

18. differentiation

19. symbolic interactionism



شکل‌گیری هویت اجتماعی غیرسنتی برای آنها دارد؟  
 ۶. تلقی دختران دانشجو از تحصیل به‌عنوان منبعی  
 برای بازتعریف هویت اجتماعی غیرسنتی چیست؟  
 ۷. تلقی دختران دانشجو از شغل به‌عنوان منبعی  
 برای بازتعریف هویت اجتماعی غیرسنتی چیست؟

### فرضیات پژوهش

۱. دختران دانشجو آمادگی پذیرش نقش‌های اجتماعی غیرسنتی را دارند.
۲. فاصله گرفتن از هنجارهای خانواده سنتی پدرسالار به‌صورت همگون صورت نمی‌پذیرد.
۳. بین آگاهی اجتماعی دختران دانشجو و شکل‌گیری هویت اجتماعی غیرسنتی برای آنان رابطه وجود دارد.
۴. بین طبقه اجتماعی دختران دانشجو و شکل‌گیری هویت اجتماعی غیرسنتی برای آنان رابطه وجود دارد.
۵. هرچه تحصیلات والدین بیشتر باشد هویت اجتماعی دختران دانشجو مبناهای غیرسنتی تری خواهد داشت.
۶. تحصیل منبعی برای تعریف هویت اجتماعی غیرسنتی دختران دانشجو به حساب می‌آید.
۷. شغل منبعی برای تعریف هویت اجتماعی غیرسنتی دختران دانشجو به حساب می‌آید.

### روش تحقیق

جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و گردآوری اطلاعات جامعه آماری این تحقیق کلیه دانشجویان دختر مجرد مشغول به تحصیل در دانشگاه گیلان (ورودی‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲) بوده‌است.

بدین ترتیب فرایند «هویت‌سازی این امکان را برای یک کنشگر اجتماعی فراهم می‌کند که به پرسش‌های بنیادی معطوف به «کیستی» و «چیستی» خود پاسخ مناسب و قانع‌کننده بدهد (Tajfal, 1981:8).

همان‌طور که پیداست «فعل» «شناسایی»<sup>۲۰</sup> به‌ضرورت لازمه «هویت» است؛ چرا که هویت به‌خودی‌خود دم‌دست نیست، بلکه همواره باید تثبیت شود» (جنکینز، ۱۳۸۱: ۴۳).

بنابراین، «تمامی ویژگی‌هایی که به تمایز میان «ما» و «آنها» می‌انجامد، مؤلفه‌های هویت محسوب می‌شوند» (چاوشیان، ۱۳۸۱: ۲۶).

در راستای مفروضات ما افرادی چون ریچارد جنکینز (Richard Jenkins) هویت را به‌طور خلاصه به شیوه‌هایی که به‌واسطه آنها افراد و جمعیت‌ها در روابط اجتماعی، خود را از افراد و جمعیت‌های دیگر متمایز می‌کنند اشاره دارد (جنکینز، ۱۳۸۱: ۹۳).

وی هویت اجتماعی را به‌منابۀ فرایند دیالکتیکی بین فرد و جامعه می‌بیند. بنابراین، بدون هویت، درواقع جامعه‌ای وجود نخواهد داشت، پس هویت نیز چیزی پیش‌موجود نیست، بلکه باید همیشه «ساخته» شود.

### پرسش‌های پژوهش

۱. دختران دانشجو تا چه حد آمادگی پذیرش نقش‌های اجتماعی غیرسنتی را دارند؟
۲. تلقی دختران دانشجو از نقش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای خانواده سنتی پدرسالار چیست؟
۳. آگاهی اجتماعی دختران از موقعیت زنان چه تأثیری در شکل‌گیری هویت اجتماعی غیرسنتی برای آنها دارد؟
۴. طبقه اجتماعی دختران دانشجو چه تأثیری در شکل‌گیری هویت اجتماعی غیرسنتی برای آنها دارد؟
۵. تحصیلات والدین دختران دانشجو چه نقشی در

اولیه پرسش‌نامه، مطالعه‌ای مقدماتی انجام گرفت. هدف این مطالعه مقدماتی تعیین میزان اعتبار و پایایی شاخص‌ها و اصلاح و نهایی کردن پرسش‌نامه تحقیق بود.

بخش عمده مطالعه مقدماتی روی یک نمونه ۵۰ نفری از دانشجویان دختر در دو دانشکده دانشگاه گیلان انجام شد که به صورت تصادفی انتخاب شدند. پایایی شاخص‌ها با استفاده از روش انسجام درونی و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده و وجود هم‌بستگی معنادار بین شاخص هویت اجتماعی با سایر شاخص‌ها نیز به عنوان اعتبار سازه‌ای آنها در نظر گرفته شده است.

### روش تجزیه و تحلیل

روش تجزیه و تحلیل یافته‌های این پژوهش با در نظر گرفتن فرضیات طرح شده صورت گرفته است؛ بدین معنا که بعضی از فرضیات به صورت توصیفی و بعضی به صورت وجود یا عدم وجود رابطه و هم‌بستگی، به صورت استنباطی تحلیل شده است. با توجه به اینکه بیشتر متغیرهای ما از نوع متغیرهای رتبه‌ای - رتبه‌ای و اسمی - رتبه‌ای بوده، سعی شده است که برای آزمون فرضیات طرح شده بیشتر از ضرایب مربوط استفاده شود.

### تعاریف عملیاتی مفاهیم و شاخص‌ها

ایدئولوژی خانواده سنتی: به معنای پذیرش هنجارها، ارزش‌ها، و عقاید خانواده پدرسالار سنتی است. این مفهوم به مثابه یک نگرش از طریق طیف لیکرت ۱۶ گویه‌ای سنجیده شده است. پایایی این مقیاس بر اساس روش انسجام درونی و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۰ و اعتبار سازه‌ای آن در مقایسه با شاخص هویت ۰/۶۹ است.

هویت اجتماعی غیرسنتی: به معنای عقاید، ارزش‌ها و

جمعیت نمونه با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده و حجم نمونه آن با استفاده از فرمول  $n = \frac{pqz^2}{E^2}$  محاسبه شده است.  $p$  و  $q$  هر دو معادل ۰/۵ گرفته شده است تا بالاترین میزان پراکندگی و ناهمگونی فرض گرفته شود.  $Z^2$  مقدار  $t$  برای سطح معناداری معین است که در اینجا سطح ۰/۹۵ و لذا مقدار  $Z$  معادل ۱/۹۶ تعیین می‌شود و  $E$  حداکثر خطای مجاز است و با پذیرش خطای ۰/۰۵ در فرمول فوق به حجم نمونه‌ای معادل:  $n = \frac{0.5 \times 0.5 \times 1/96}{(0.05)^2} \cong 384$  می‌رسیم.

اما از آنجاکه زمان تحقیق به ما اجازه می‌داد، حجم نمونه را تا ۴۰۰ نمونه افزایش دادیم که در بررسی نهایی ۱۱ پرسش‌نامه به علت ناقص بودن اطلاعات از تحلیل نهایی کنار گذاشته شد و حجم نمونه ۳۸۹ نمونه تعیین گردید. برای انتخاب نمونه‌ها از هر دانشکده به نسبت تعداد دانشجوی دختر و رشته‌های تحصیلی موجود در دانشکده، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده استفاده شده است؛ بدین ترتیب، از دانشکده ادبیات و علوم انسانی سه رشته و از هر رشته سه کلاس و از دانشکده علوم پایه سه رشته و از هر رشته سه کلاس و از دانشکده فنی مهندسی سه رشته و از دانشکده کشاورزی سه رشته و از هر رشته سه کلاس و از دانشکده تربیت بدنی رشته تربیت بدنی و سه کلاس و از دانشکده معماری رشته کاردانی معماری و سه کلاس به روش تصادفی انتخاب شد. سپس از پرسشگران خواسته شد با مراجعه به کلاس‌های تعیین شده و با استفاده از پرسش‌نامه، همراه با مصاحبه، نسبت به جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز اقدام کنند.

### پایایی و اعتبار شاخص‌ها

پس از تهیه و تدوین شاخص‌ها و طراحی صورت

خود می‌بینند؛ لذا مشاهده می‌شود که بیش از ۶۰٪ دختران دانشجوی تصور روشنی از نقش‌های اجتماعی غیرسنتی دارند و حدود ۲۸٪ نیز در وضعیت نامعین قرار دارند که این وضعیت انعکاسی از واقعیت‌های اجتماعی جامعه در حال گذار ماست.

لذا با تحلیل تک‌تک گویه‌های مقیاس، مشاهده می‌شود که اکثریت دختران دانشجوی جامعه ما دیگر پذیرای نقش‌های سنتی و خانگی - که ساختار جامعه پدرسالار برای آنها معین کرده است - نیستند. اما هنوز برداشت سنتی از نقش‌های اجتماعی زنان در جامعه ما به صورت کامل رنگ نباخته است.

هنوز ایدئولوژی خانواده سنتی تمام قدرت و اقتدار خود را از دست نداده است و هنوز می‌تواند مهم‌ترین تأثیرات را بر زندگی اجتماعی و هویت فردی و اجتماعی دختران بگذارد.

بنابراین، این فرضیه که پذیرش نقش‌های غیرسنتی مبنای اساسی برای دختران دانشجوی به شمار می‌رود و آنها می‌توانند با اتکا به آنها یک هویت غیرسنتی در جامعه داشته باشند، با توجه به داده‌های جداول شماره ۱ و ۲ تأیید می‌شود.

پس می‌توان نتیجه گرفت دخترانی که آمادگی پذیرش نقش‌های غیرسنتی را در خود می‌بینند، بیشتر افرادی هستند که هویت غیرسنتی را برای هویت اجتماعی خویشتن در جامعه تعریف می‌کنند.

#### ایدئولوژی خانواده سنتی

در مورد این فرضیه که عدم پذیرش ایدئولوژی خانواده پدرسالار مبنای اساسی برای دختران به شمار می‌رود که آنها می‌توانند با اتکا به آنها یک هویت اجتماعی غیرسنتی در جامعه برای خود تعریف کنند، با توجه به داده‌های جداول شماره ۳ و ۴ تأیید می‌شود.

رفتارها متمایز از گروه‌های اجتماعی است که بر پایه مقایسه و تعریفی که فرد بر مبنای عضویت در گروه‌های اجتماعی از خویشتن دارد شکل می‌گیرد. این شاخص بر مبنای دو نوع قضاوت درباره هر شخص، یکی بر اساس طیف لیکرت ۱۰ گویه‌ای و دیگری بر اساس چهار سؤال باز شکل گرفته است.

پایایی این مقیاس بر اساس روش انسجام درونی و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۴ و اعتبار آن نیز از طریق روش اعتبار صوری مورد بررسی قرار گرفته و دارای اعتبار صوری ۰/۶۱ است.

**نقش‌های اجتماعی غیرسنتی:** به معنای پذیرش و توانایی ایفای نقش‌های غیرسنتی همچون ادامه تحصیل، کار بیرون از خانه، و کسب استقلال مالی است که در مقابل نقش‌های سنتی دختران یعنی، خانه‌داری و شوهرداری قرار دارند. این مقیاس به مثابه یک نگرش از طریق طیف لیکرت ۱۶ گویه‌ای سنجیده شده است.

پایایی این مقیاس بر اساس روش انسجام درونی و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۰ و اعتبار سازه‌ای آن در مقایسه با شاخص هویت اجتماعی معنادار ۰/۷۱ است.

**آگاهی اجتماعی زنان:** به معنای میزان درک و شناخت آنان از موقعیت اجتماعی خود در جامعه است. این مقیاس به مثابه یک نگرش از طریق طیف لیکرت ۱۲ گویه‌ای سنجیده شده است. پایایی این مقیاس بر اساس روش انسجام درونی و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۴ و اعتبار سازه‌ای آن در مقایسه با شاخص هویت اجتماعی معنادار ۰/۶۷ است.

#### توصیف و تحلیل یافته‌های پژوهش

##### پذیرش نقش‌های اجتماعی غیرسنتی

یافته‌های پژوهش در این زمینه حاکی از این است که دختران آمادگی پذیرش نقش‌های غیرسنتی را در

پس می‌توان نتیجه گرفت که این وضعیت می‌تواند به تداوم اقتدار ایدئولوژی خانواده سنتی، هر روز انعکاسی از واقعیت‌های اجتماعی در حال تغییر و ماهیت انتقالی جامعه فعلی ما باشد که در آن با توجه شاهد کاهش نفوذ این اقتدار هستیم.

جدول ۱: توزیع کل پاسخگویان برحسب میزان پذیرش نقش‌های اجتماعی غیرسنتی

درصد	فراوانی	میزان پذیرش نقش‌های اجتماعی غیرسنتی
۸/۰٪	۳۱	کاملاً آماده برای پذیرش نقش‌های اجتماعی غیرسنتی
۵۵/۰٪	۲۱۴	نسبتاً آماده برای پذیرش نقش‌های اجتماعی غیرسنتی
۲۸/۰٪	۱۰۹	بینابین برای پذیرش نقش‌های اجتماعی سنتی و غیرسنتی
۵/۷٪	۲۲	نسبتاً عدم آمادگی برای پذیرش نقش‌های اجتماعی غیرسنتی
۳/۳٪	۱۳	عدم آمادگی کامل برای پذیرش نقش‌های اجتماعی غیرسنتی
۱۰۰٪	۳۸۹	جمع

جدول ۲: پذیرش نقش‌های اجتماعی غیرسنتی به تفکیک هویت اجتماعی سه‌گانه (٪)

N	کاملاً عدم آمادگی		نسبتاً عدم آمادگی		بینابین		نسبتاً آماده		کاملاً آماده		پذیرش نقش‌های غیرسنتی / هویت اجتماعی		
	۱	۰/۳٪	-	-	۷	۸/۸٪	۳۵	۹/۰٪	۵۸	۱۴/۹٪		۲۷	۶/۹٪
۲۰۹	۱	۰/۳٪	-	-	۷	۸/۸٪	۳۵	۹/۰٪	۵۸	۱۴/۹٪	۲۷	۶/۹٪	هویت اجتماعی غیرسنتی
۱۱۱	۷	۱/۸٪	۷	۸/۸٪	۳۵	۹/۰٪	۳۵	۹/۰٪	۵۸	۱۴/۹٪	۴	۱/۰٪	هویت اجتماعی بینابین
۶۹	۵	۳/۹٪	۱۵	۳/۹٪	۲۵	۶/۴٪	۲۵	۶/۴٪	۲۴	-	-	-	هویت اجتماعی سنتی
۳۸۹	۱۳	۳/۳٪	۲۲	۵/۷٪	۱۰۹	۲۸/۰٪	۲۱۴	۵۵/۰٪	۲۱۴	۸/۰٪	۳۱	۸/۰٪	جمع
ضریب D سامرز			SIG = ۰/۰۰						V = ۰/۳۴۸ شدت رابطه				
ضریب T کندال			SIG = ۰/۰۰						V = ۰/۳۴۸ شدت رابطه				
ضریب S هم‌بستگی اسپرمن			SIG = ۰/۰۰						V = ۰/۳۸۷ شدت رابطه				

جدول ۳: پذیرش ایدئولوژی خانواده سنتی به تفکیک هویت اجتماعی سه گانه (٪)

N	کاملاً غیر سنتی		نسبتاً غیر سنتی		بینابین		نسبتاً سنتی		کاملاً سنتی		ایدئولوژی خانواده سنتی هویت اجتماعی
۲۰۹	٪۱/۰	۴	٪۸/۰	۳	٪۱۳/۹	۵۴	٪۳۵/۲	۱۳۷	٪۲/۸	۱۱	هویت اجتماعی غیر سنتی
۱۱۱	٪۱/۳	۵	٪۱/۳	۵	٪۱۰/۳	۴۰	٪۱۳/۴	۵۲	٪۲/۳	۹	هویت اجتماعی بینابین
۶۹	٪۰/۵	۲	٪۲/۸	۱۱۰	٪۷/۷	۳۰	٪۵/۴	۲۱	٪۱/۳	۵	هویت اجتماعی سنتی
۳۸۹	٪۸/۲	۱۱	٪۴/۹	۱۹۰	٪۳۱/۹	۱۲۴	٪۵۴/۰	۲۱۰	٪۶/۴	۲۵	جمع
ضریب D سامرز			SIG = ۰/۰۰					شدت رابطه V = ۰/۳۰۸			
ضریب T کندال			SIG = ۰/۰۰					شدت رابطه V = ۰/۳۰۸			
ضریب S هم بستگی اسپرمن			SIG = ۰/۰۲					شدت رابطه V = ۰/۳۸۷			

جدول ۴: توزیع کل پاسخگویان برحسب تعلق آنها به ایدئولوژی خانواده سنتی (٪)

درصد	فراوانی	میزان تعلق به ایدئولوژی خانواده پدرسالار سنتی
٪۶/۴	۲۵	کسانی که کاملاً غیر سنتی فکر می کنند
٪۵۴/۰	۲۱۰	کسانی که نسبتاً غیر سنتی فکر می کنند
٪۳۱/۹	۱۲۴	کسانی که مابین سنتی و غیر سنتی فکر می کنند
٪۴/۹	۱۹	کسانی که نسبتاً سنتی فکر می کنند
٪۲/۸	۱۱	کسانی که کاملاً سنتی فکر می کنند
٪۱۰۰	۳۸۹	جمع

### طبقه اجتماعی

با توجه به نظریات طرح شده در این مورد به نظر می رسد که در جامعه ما با دگرگونی ساختارهای سنتی، هرچند به صورت بطئی و آرام، شاهد کم رنگ شدن نقش طبقه اجتماعی در هویت بخشی به دختران، و در مقابل پررنگ شدن نقش عوامل نسبتاً جدیدی در شکل گیری هویت اجتماعی غیر سنتی برای دختران هستیم.

طبقه اجتماعی یکی از متغیرهای کلیدی در اکثر پیمایش های اجتماعی است.

در اینجا هدف نشان دادن این واقعیت است که در دوره مدرنیته نقش عواملی چون طبقه اجتماعی با دگرگون شدن شالوده های سنتی جامعه و ایجاد مراجع هویت ساز غیر سنتی، در شکل دهی به هویت اجتماعی افراد کم رنگ می شود.

جدول ۵: طبقه اجتماعی دختران به تفکیک هویت اجتماعی سه گانه (%)

N		بسیار پایین		پایین		متوسط		بالا		بسیار بالا		طبقه اجتماعی	
N		بسیار پایین		پایین		متوسط		بالا		بسیار بالا		هویت اجتماعی	
۲۰۹	۵۳/۷	۶	۱/۵	۵۶	۱۴/۴	۱۱۶	۲۹/۸	۲۶	۶/۷	۵	۱/۳	هویت اجتماعی غیر سنتی	
۱۱۱	۲۸/۵	۴	۱/۰	۳۴	۸/۷	۶۱	۱۵/۷	۱۱	۲/۸	۱	۰/۳	هویت اجتماعی بینابین	
۶۹	۱۷/۷	۲	۰/۵	۱۶	۴/۱	۴۱	۱۰/۵	۶	۱/۵	۴	۱/۰	هویت اجتماعی سنتی	
۳۸۹	۱۰۰	۱۲	۳/۱	۱۰۶	۲۷/۲	۲۱۸	۵۶/۰	۴۳	۱۱/۱	۱۰	۲/۶	جمع	
ضریب D سامرز		SIG = ۰/۸۵						V = ۰/۰۸ شدت رابطه					
ضریب T کندال		SIG = ۰/۸۵						V = ۰/۸۵ شدت رابطه					
ضریب S هم‌بستگی اسپرمن		SIG = ۰/۰۸۴						V = ۰/۰۹ شدت رابطه					

### تحصیلات والدین

بین میزان تحصیلات والدین و نوع برداشت و تعریفی که دختران دانشجو از هویت خویشتن دارند وجود دارد.

لذا می‌توان نتیجه گرفت دختران دانشجویی که سطح تحصیل والدینشان بالاتر است برداشت و تعریف غیر سنتی‌تری از هویت اجتماعی خویشتن دارند.

در این میان بر اثر تحولاتی که در مسائل اجتماعی- فرهنگی صورت گرفته، سطح فرهنگی جامعه و خانواده‌ها افزایش پیدا کرده‌است که یکی از جلوه‌های آن، افزایش سطح تحصیلات والدین نسبت به نسل‌های گذشته‌است.

بنابراین، با توجه به داده‌های جدول ۶ رابطه معناداری

جدول ۶: تحصیلات والدین دختران به تفکیک هویت اجتماعی سه گانه (%)

N		دکتری		کارشناسی ارشد		کارشناسی		کاردانی		متوسطه		اول تا سوم راهنمایی		ابتدایی		بی سواد		تحصیلات والدین
N		دکتری		کارشناسی ارشد		کارشناسی		کاردانی		متوسطه		اول تا سوم راهنمایی		ابتدایی		بی سواد		هویت اجتماعی
۱۱۸	۵۲/۵	۴	۱/۲	۲	۰/۶	۲۰	۵/۸	۳۴	۹/۸	۷۰	۲۰/۳	۲۷	۶/۸	۱۶	۴/۶	۲/۳	۸	هویت اجتماعی غیر سنتی
۱۰۴	۳۰/۱	-	-	۱	۰/۳	۷	۲/۰	۲۰	۵/۸	۴۱	۱۱/۹	۱۲	۳/۵	۲۱	۶/۱	۰/۶	۲	هویت اجتماعی بینابین
۶	۱۷/۴	-	-	۱	۰/۳	۳	۰/۹	۱	۲/۹	۱۶	۴/۷	۱۴	۴/۱	۱۲	۳/۴	۱/۲	۴	هویت اجتماعی سنتی
۳۸۹	۱۰۰	۴	۱/۲	۴	۱/۲	۳۰	۸/۷	۶۴	۱۸/۴	۱۲۷	۳۶/۹	۵۳	۱۵/۴	۴۹	۱۴/۱	۴/۱	۱۴	جمع
ضریب D سامرز		SIG = ۰/۰۰						V = ۰/۱۳۴ شدت رابطه										
ضریب T کندال		SIG = ۰/۰۱						V = ۰/۸۰۸ شدت رابطه										
ضریب S هم‌بستگی اسپرمن		SIG = ۰/۰۰						V = ۰/۱۶۵ شدت رابطه										

### آگاهی اجتماعی دختران

با توجه به داده‌های جداول شماره ۷ و ۸ مشاهده می‌شود که رابطه‌ای بین داشتن آگاهی اجتماعی نسبت به موقعیت زنان در جامعه و تعریف هویت اجتماعی به صورت غیرسنتی وجود دارد. پس می‌توان نتیجه گرفت دخترانی که از آگاهی اجتماعی بالاتری از موقعیت اجتماعی زنان در جامعه برخوردارند، بیشتر کسانی هستند که دارای هویت اجتماعی غیرسنتی هستند.

جدول ۷: توزیع کل پاسخگویان برحسب میزان آگاهی اجتماعی (%).

درصد	فراوانی	آگاهی اجتماعی دختران
۲/۸٪	۱۱	کاملاً ناآگاه نسبت به موقعیت اجتماعی زنان
۳/۶٪	۱۴	نسبتاً ناآگاه نسبت به موقعیت اجتماعی زنان
۱۹/۸٪	۷۷	آگاهی و ناآگاهی بینابین نسبت به موقعیت اجتماعی زنان
۵۱/۷٪	۲۰۱	نسبتاً آگاه نسبت به موقعیت اجتماعی زنان
۲۲/۱٪	۸۶	کاملاً آگاه نسبت به موقعیت اجتماعی زنان
۱۰۰٪	۳۸۹	جمع

### مراجع هویت‌ساز غیرسنتی

با توجه به داده‌های جدول ۹ مشاهده می‌شود که رابطه‌ای بین نگرش دختران نسبت به تحصیل، به‌عنوان منبع هویت‌ساز غیرسنتی و به تبع آن، تعریف هویت اجتماعی غیرسنتی از هویت خویشتن وجود دارد.

جدول ۸: آگاهی اجتماعی دختران به تفکیک هویت اجتماعی سه‌گانه (%).

N	کاملاً ناآگاه		نسبتاً ناآگاه		بینابین		نسبتاً آگاه		کاملاً آگاه		آگاهی اجتماعی
											هویت اجتماعی
۲۰۹	۳	۰/۸٪	۲	۰/۵٪	۳۱	۸/۰٪	۱۰۹	۲۸/۰٪	۶۴	۱۶/۵٪	هویت اجتماعی غیرسنتی
۱۱۱	۶	۱/۱٪	۴	۱/۰٪	۲۹	۷/۵٪	۵۴	۱۳/۹٪	۱۸	۴/۶٪	هویت اجتماعی بینابین
۶۹	۲	۰/۵٪	۸	۲/۱٪	۱۷	۴/۴٪	۳۸	۹/۸٪	۴	۱/۰٪	هویت اجتماعی سنتی
۳۸۹	۱۱	۲/۸٪	۱۴	۳/۶٪	۷۷	۱۹/۸٪	۲۰۱	۵۱/۷٪	۸۶	۲۲/۱٪	جمع
ضریب D سامرز		SIG = ۰/۰۰						V = ۰/۲۵۶ شدت رابطه			
ضریب T کندال		SIG = ۰/۰۰						V = ۰/۲۸۸ شدت رابطه			
ضریب S هم‌بستگی اسپرمن		SIG = ۰/۰۳						V = ۰/۱۱۱ شدت رابطه			

جدول ۹: نگرش دختران نسبت به تحصیل به تفکیک هویت اجتماعی سه گانه (٪)

N	در صورت داشتن موقعیت اجتماعی خوب با او ازدواج می‌کنم		قبول می‌کنم و ادامه تحصیل نمی‌دهم		به هیچ وجه با او ازدواج نمی‌کنم		ادامه تحصیل	هویت اجتماعی
	۲۰۹	٪۲/۸	۱۱	٪۷/۷	۳۰	٪۴۳/۲	۱۶۸	هویت اجتماعی غیرسنتی
۱۱۱	٪۲۸/۶	۱۴	٪۷/۵	۲۹	٪۱۷/۵	۶۸	هویت اجتماعی بینابین	
۶۹	٪۱۷/۷	۶	٪۴/۹	۱۹	٪۱۱/۳	۴۴	هویت اجتماعی سنتی	
۳۸۹	٪۸/۰	۳۱۰	٪۲۰/۰	۷۸	٪۷۲/۰۰	۲۸۰	جمع	
ضریب Phi فی		SIG = ۰/۰۰				شدت رابطه V = ۰/۲۰۸		
ضریب V کرامر		SIG = ۰/۰۰				شدت رابطه V = ۰/۱۴۷		
ضریب P هم‌بستگی پیرسون		SIG = ۰/۰۰				شدت رابطه v = ۰/۱۵۸		

دغدغه خود را نسبت به آینده دارند داشتن شغل و بعد از آن ادامه تحصیل و در پایین‌ترین رده ازدواج عنوان کرده‌اند.

کسانی که در رده هویت سنتی قرار دارند ازدواج را به‌عنوان مهم‌ترین دغدغه آینده خود ذکر کرده‌اند. بنابراین، با توجه به یافته‌های جدول ۱۱ مشاهده می‌شود رابطه‌ای بین مهم‌ترین دغدغه دختران نسبت به آینده و تعریف از هویت خویش، به‌عنوان هویت اجتماعی غیرسنتی، وجود دارد. در سؤال دوم که درباره تصور دختران از آینده خودشان بود، یافته‌های تحقیق بر طبق جدول ۱۲ حاکی از این است که دخترانی که در رده هویت غیرسنتی قرار دارند شامل دخترانی هستند که فکر می‌کنند در ده سال آینده

همچنین با توجه به یافته‌های جدول ۱۰ مشاهده می‌شود رابطه‌ای بین نگرش دختران نسبت به شغل و داشتن استقلال مالی به‌عنوان منبع هویت‌ساز غیرسنتی و به تبع آن، تعریف هویت غیرسنتی از هویت خویش، وجود دارد.

در تأیید فرض‌های فوق دو سؤال باز دیگر نیز در پرسش‌نامه طرح شده بود که با تحلیل نتایج حاصل از آن فرض‌های فوق بیشتر تأیید می‌شود. یافته‌ها حاکی از این است که دخترانی که در رده هویت غیرسنتی قرار دارند مهم‌ترین دغدغه خود را نسبت به آینده در وهله اول داشتن شغل، بعد ادامه تحصیل و در پایین‌ترین رده، ازدواج عنوان کرده‌اند و کسانی که در رده هویت بینابین قرار دارند و مهم‌ترین



شاغل‌اند، در حال ادامه تحصیل هستند و ازدواج نیز کرده‌اند. منابع هویت‌ساز غیرسنتی به حساب می‌آیند و دختران با اتکا به آنها سعی دارند یک هویت غیرسنتی را برای خود در جامعه تعریف کنند، وجود دختران از آینده، که در آن شغل و تحصیل به‌عنوان دارد.

جدول ۱۰: نگرش دختران نسبت به شغل به تفکیک هویت اجتماعی سه‌گانه (٪)

N	اگر از نظر اقتصادی وضعیت خوب باشد کار نمی‌کنم		قبول می‌کنم و کار نمی‌کنم		به هیچ وجه با او ازدواج نمی‌کنم		داشتن شغل و استقلال مالی		
							هویت اجتماعی		
۲۰۹	٪۵۳/۷	۱۷	٪۶/۶	۲۶	٪۴۲/۷	۱۶۶	هویت اجتماعی غیرسنتی		
۱۱۱	٪۲۸/۵	۱۶	٪۹/۲	۳۶	٪۱۵	۵۹	هویت اجتماعی بینابین		
۶۹	٪۱۷/۷	٪۳/۵	٪۷/۱	۲۸	٪۶/۹	۲۷	هویت اجتماعی سنتی		
۳۸۹	٪۱۰۰	۴۷	٪۲۳/۱	۹۰	٪۶۴/۸	۲۵۲	جمع		
ضریب Fhi فی		SIG = ۰/۰۰				شدت رابطه V = ۰/۲۴۷			
ضریب V کرامر		SIG = ۰/۰۰				شدت رابطه V = ۰/۲۴۵			
ضریب P هم‌بستگی پیرسون		SIG = ۰/۰۰				شدت رابطه v = ۰/۲۹۸			

جدول ۱۱: مهم‌ترین دغدغه دختران به تفکیک هویت اجتماعی سه‌گانه (٪)

N	فقط ادامه تحصیل		فقط ازدواج		فقط اتمام تحصیل		فقط شغل		مهم‌ترین دغدغه دختران	
									هویت اجتماعی	
۲۰۹	٪۵۴/۰	۳۴	٪۴/۱	۱۶	٪۱۲/۴	۴۸	٪۲۸/۷	۱۱۱	هویت اجتماعی غیرسنتی	
۱۱۰	٪۲۸/۴	۱۳	٪۴/۴	۱۷	٪۷/۵	۲۷	٪۱۴/۲	۵۵	هویت اجتماعی بینابین	
۶۸	٪۱۷/۶	۵	٪۵/۹	۲۳	٪۴/۷	۱۸	٪۵/۷	۲۲	هویت اجتماعی سنتی	
۳۸۹	٪۱۰۰	۵۲	٪۱۴/۵	۵۶	٪۲۴/۰	۹۳	٪۴۸/۶	۱۸۸	جمع	
ضریب Fhi فی		SIG = ۰/۰۰				شدت رابطه V = ۰/۲۹۴				
ضریب V کرامر		SIG = ۰/۰۰				شدت رابطه V = ۰/۲۰۸				
ضریب P هم‌بستگی پیرسون		SIG = ۰/۰۴				شدت رابطه v = ۰/۱۰۲				

جدول ۱۲: تصور دختران از آینده خودشان به تفکیک هویت اجتماعی سه گانه (%).

N	ازدواج نکرده‌ام، چون دوست ندارم		ازدواج کرده‌ام و خانه‌دار و بچه‌دارم		در حال ادامه تحصیل در دوره ارشد یا دکتری		شاغلم و ازدواج کرده‌ام		تصور دختران از آینده هویت اجتماعی	
	۲۱۳	۰	۰	۲۹	۷/۵٪	۷۸	۲۰/۳٪	۱۰۵	۲۷/۰٪	هویت اجتماعی غیر سنتی
۲۱۳	۰/۵٪	۲	۲۷	۶/۹٪	۳۹	۱۰/۰٪	۴۱	۱۰/۵٪	هویت اجتماعی بینابین	
۱۰۹	۰/۳٪	۱	۲۶	۶/۷٪	۲۰	۵/۱۰٪	۲۰	۵/۱٪	هویت اجتماعی سنتی	
۶۷	۰/۸٪	۳	۸۲	۲۱/۱٪	۱۳۸	۳۵/۴٪	۱۶۶	۴۲/۷٪	جمع	
ضریب Fhi فی					SIG = ۰/۰۰			V = ۰/۲۹۲ شدت رابطه		
ضریب V کرامر					SIG = ۰/۰۰			V = ۰/۲۰۷ شدت رابطه		
ضریب P هم‌بستگی پیرسون					SIG = ۰/۰۳			V = ۱۱۰ شدت رابطه		

### نتیجه‌گیری

به تبعیت از کشورهای توسعه‌یافته، بر نهادهای جامعه و اساسی‌تر از آن، بر آگاهی دختران از هویت خویش، تأثیر گذارده‌است.

اکثریت وسیعی از زنان و دختران خود را با مردان برابر و نیز سزاوار حقوق خویش و داشتن کنترل بر جسم و زندگی خویش می‌انگارند. این آگاهی به‌سرعت در بین دختران جامعه ما در حال گسترش است. خانواده یکی از ساختارهای بنیادی تعیین‌کننده نظام شخصیتی و هویتی افراد بوده‌است.

دگرگونی این نهاد، به موازات بی‌ثبات شدن تمامی شالوده‌های ساختاری هویت فردی و جمعی، می‌تواند پیامدهای مهمی در «بازتعریف» نقش‌ها و هویت‌ها، به‌ویژه هویت اجتماعی دختران داشته باشد.

یافته‌های تحقیق در این زمینه گویای این واقعیت است که نقش‌های اجتماعی بیشتر از ارزش‌ها و هنجارهای خانواده سنتی دچار تحول شده‌است و این موضوع نشان می‌دهد که هنوز خانواده پدربسالار

با آنکا به یافته‌های تحقیق می‌توان گفت که در جامعه ما با برکنده شدن شالوده‌ها و ساختارهای اساسی سنتی، قرائت از نقش‌های اجتماعی و هویت اجتماعی دختران دچار دگرگونی اساسی شده‌است.

بدین معنا که تا همین اواخر پیوند میان زن و مرد، مخصوصاً در ازدواج سنتی، عمدتاً بر اساس نقش‌های ثابت بود.

یک دختر می‌دانست که چه سرنوشتی در انتظارش است: یک زندگی خانگی و خانوادگی. در طول حدود یک نسل همه اینها تغییر کرده‌است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین اتفاقی که در حال وقوع است این است که دیگر دختران جامعه ما بر اساس آنچه فرهنگ و یا سرنوشت محتوم به آنها دیکته می‌کند زندگی نمی‌کنند و سعی دارند زندگی اجتماعی و هویتشان را بیشتر توسط خودشان و به واسطه نقش‌های اجتماعی‌ای که ایفا می‌کنند بسازند.

می‌توان گفت که نهضت‌های زنان در کشور ما نیز،

رویدادها و تحولات زندگی خود حساس می‌شوند. لذا با وجود فرایند تجدّد و گسترش فضای اجتماعی و سست شدن شالوده‌های سنتی، امکان هویت‌یابی در چارچوب محدود و معین اجتماعی رو به کاهش است و می‌توان گفت که در جامعه ما دختران سعی دارند با توجه به شرایط به‌وجودآمده و با اتکا به نقش‌های اجتماعی غیرسنتی که در جامعه برای آنها شکل گرفته‌است و با کمک گرفتن از منابع هویت‌ساز غیرسنتی، وارد جامعه شوند و با پذیرش و ایفای این نقش‌های اجتماعی غیرسنتی، تصور سنتی از هویت اجتماعی خویش را به چالش بکشند و خودشان به‌صورت بازتابی، هویت خویش را در جامعه تعریف و معین کنند.

به‌طور کلی نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که امروزه نقش زنان و دختران در زندگی خانوادگی و اجتماعی بیش از هر زمان دیگری در حال دگرگون شدن است و قدرت زنان رو به افزایش است، اما این دگرگونی به معنای این نیست که زنان و دختران جامعه ما به همه مطالبات خود نایل شده‌اند. درست است که در سال‌های اخیر تعداد زنان شاغل رشد چشمگیری داشته، اما به‌طور متوسط در اکثر مشاغل حقوق کمتری، در مقایسه با مردان، می‌گیرند و یا برطبق آمار منتشرشده، تعداد دختران دارای تحصیلات دانشگاهی و عالی به‌صورت چشمگیری افزایش یافته، اما نرخ بیکاری تحصیل‌کرده‌های دختر در مقایسه با پسران تحصیل‌کرده بالاتر است.

بنابراین مشاهده می‌شود در جامعه‌ای که از گذشته مرخصی می‌گیرد، روش‌های سنتی را کنار می‌نهد و درها را به روی آینده‌ای مسئله‌زا و ابهام‌آلود می‌گشاید، زن بودن کار پرمخاطره‌ای است.

در جامعه‌ای که دختران در معرض زل زدن‌های مردان قرار دارند و قضاوت درباره آنها بسیار بیش از مردان

سنتی قدرت و اقتدار خود را حفظ کرده‌است و تنها از نفوذ آن در بعضی از حوزه‌های زندگی اجتماعی کاسته شده یا در حال کاسته شدن است.

در دوره مدرنیته نقش عواملی چون طبقه اجتماعی، با دگرگون شدن شالوده‌های سنتی جامعه و ایجاد مراجع هویت‌ساز غیرسنتی در شکل‌دهی به هویت اجتماعی افراد کم‌رنگ می‌شود. یافته‌های تحقیق در این مورد حاکی از آن است که دیگر تعلقات طبقاتی تأثیر اساسی و مستقیم در هویت‌بخشی به دختران ندارد.

فرایند مدرنیته با دگرگون کردن شرایط و چارچوب‌های سنتی هویت‌ساز و تضعیف و انحلال منابع سنتی هویت‌بخش، فرایند هویت‌سازی را در جهان کنونی متمایز از قبل کرده‌است. با وجود اینکه جامعه‌شناسان بر سر منابع هویت‌بخش اجماع ندارند، دست‌کم در این مورد اتفاق نظر وجود دارد که با بسط فرایند تجدّد، منابع سنتی هویت‌بخش به تدریج رو به اضمحلال و تحلیل رفته، تاحدی که قدرت استیلای خود را بر معنادهی به هویت‌کنشگران رفته‌رفته از دست می‌دهند.

یافته‌های تحقیق در این زمینه حاکی از این است که دختران تلاش می‌کنند با حرکت به سمت مراجع هویت‌ساز غیرسنتی در جامعه، چون دانشگاه و ادامه تحصیل و به دنبال آن با به دست آوردن یک شغل و کسب استقلال مالی، از چارچوب سنتی جامعه خارج شوند و با اتکا به این مراجع هویت‌ساز غیرسنتی، از هویت اجتماعی سنتی خود گذار کنند.

بنابراین، هویت اجتماعی نه تنها ارتباط اجتماعی را امکان‌پذیر می‌کند، بلکه به زندگی افراد هم معنا می‌دهد.

هویت‌ها معنایی کلیدی هستند که ذهنیت افراد را شکل می‌دهند و مردم به‌واسطه آنها نسبت به

هویت شخصی و اجتماعی امری خطیر است. بنابراین مشاهده می‌شود مسئله هویت اجتماعی دختران در جامعه در حال گذاری مثل جامعه ما دارای ابعاد گوناگون است که باید در تحقیقات بعدی مورد بررسی قرار گیرد.

بر اساس ظاهرشان است، دختران جوان باید موازنات قدرت را در ارتباط با هویتشان تغییر دهند. آنها باید همه این مسائل را در محیط شخصی و اجتماعی چالش‌انگیز، دشوار و متغیر مدیریت کنند، چون در چنین جامعه‌ای ساختن و پرداختن نوعی

### منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۷۷)، *ما و مدرنیته*، مؤسسه فرهنگی صراط، تهران؛
- آلمال، فرنگیس (۱۳۷۵)، *بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت فرهنگی دانش‌آموزان دختر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران؛
- برمن، مارشال (۱۳۸۱)، *تجربه مدرنیته*، ترجمه مراد فرهادپور، طرح نو، تهران؛
- پارسا پوزه، سپیده (۱۳۷۹)، *بررسی هویت فرهنگی دختران نوجوان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران؛
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱)، *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، شیرازه، تهران؛
- چاوشیان، حسن (۱۳۸۱)، *سبک زندگی و هویت اجتماعی*، رساله دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران؛
- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۸۰)، *توسعه و چالش‌های زنان در ایران*، نشر قطره، تهران؛
- شارع‌پور، محمود و غلام‌رضا خوش‌فر (۱۳۸۱)، «*رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان*»، فصلنامه ارغون، ش ۱۱ و ۱۲، پاییز و زمستان؛
- فریزی، دیوید (۱۳۸۱)، «*جامعه‌شناسان آلمانی و مدرنیته*»، ترجمه مجید
- مدی، فصلنامه ارغون، ش ۱۲ و ۱۱، پاییز و زمستان؛
- کاظمی‌پور، عبدالمحمد (۱۳۸۲)، «*بحران در راه ازدواج زنان در ایران*»، ماهنامه آفتاب، ش ۲۹؛
- کوئن، بروس (۱۳۷۳)، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، فرهنگ معاصر، تهران؛
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۱)، *جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت*، نشر نی، تهران؛
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه محسن ثلاثی، نشر مرکز، تهران؛
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰)، *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، تهران؛
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲)، «*چشم‌انداز خانواده*»، ترجمه محمدرضا جلائی‌پور، ماهنامه آفتاب، ش ۲۹؛
- ملک، حسن (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی*، دانشگاه پیام‌نور، تهران؛
- نیک‌زاد فرخی، مهرداد (۱۳۸۲)، *الگوی مصرف پوشاک و هویت اجتماعی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان؛

Giddens, A. (1994), "Living in a Post- Traditional Society" in Beek, Giddens and Lash: *Reflexive Modernization*;

Giddens, A. (1999), "Traditional", Lecture 3:24 November 1999, The Directors Homepage- LSE;

Heilman, Elizabeth (1998), "The Struggle for self power and identity in adolescent girls", *Youth & Society*, Vol 30 No 2;

Jacobson, B. (2002), *The Social psychology of the Creation of a Sports Fan Identity: A Theoretical*

*Review of The Literature, Identity Theory and Social Identity Theory*, University of Connecticut;

Mazas, M. S. and O. Klein (2003), "Social identity and citizenship: introduction to the special issue," University Libre de Bruxelles, psychological Belgica, 43- 1/2;

Tajfal, H. (1981), *Human Groups and Social Categories*, Cambridge, Cambridge University;

Turner, J. C. and M. A. Hogg (1995), "Social Identity", Social Psychology at ANU, 15 February. ■